

■ در مجموع دلایل روسیه برای برقراری یک رابطه جذاب با ایران عبارتند از: متحدی قوی در مخالفت با آمریکا، شریکی اقتصادی در برابر تحریم‌های غرب و شریکی برای مقابله با افراط‌گرایی تکفیری و تجزیه‌طلبی

بررسی فرصت‌ها و آینده روابط سیاسی و منطقه‌ای ایران و روسیه

مسکو؛ شریک راهبردی یا متحد استراتژیک؟



محمود نورانی

پژوهشگر حوزه جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک

بروز دگرگونی در نظام جهانی با فروپاشی شرق و گسترش دامنه رقابت‌های جمعی و فردی بین دولت‌ها در سطح جهانی و منطقه‌ای و توسعه فرآیندهای همگرایی و واگرایی در رفتار دولت‌ها، سبب دگرگونی در قلمرو و ابعاد تحلیلی و اثربخشی ژئوپلیتیک در کشورهای هزاره سوم شده است، آن‌هم به شیوه‌ای که بر یوپایی و غنای این بخش از جایگاه تحلیلی کشورها بویژه در چند دهه اخیر افزوده است و آن را در شمار تحلیل‌های فعال و جذاب سیاسی و تعاملات دولت‌ها قرار داده است. در چند دهه اخیر هم شاهد ظهور انقلاب اسلامی در ایران بودیم و هم عزم راسخ روسیه به خروج از سیستم نبنی-استالینی و غروب رژیم نظامی-ایدئولوژیک در شوروی، سقوط دیکتاتوری‌های ایران و شوروی به اقتضای تمایل پایدار و یک قرن‌به‌دمو کراسی، همزمان با افول قدرت ژئوپلیتیک نظامی و نیز تحول قدرت‌های اگو، اینفو و کالچو پوولیتیک در سطح جهان بود. دنیا هم‌اکنون آماده قبول نوعی «قومیت مدنی فرهنگی» است که حول محور ارزش‌های هسته‌ای معطوف به ایجاد وحدت مردم در زمینه‌های گوناگون فرهنگی، سیاسی، مذهبی و فلسفی است. در برابر این تحولات، غرب همچنان به تهیدات گوناگونی برای ماهیگیری استراتژیک از آشوب‌های محیط پیرامونی مجاور ایران و روسیه می‌اندیشد. غرب با نفوذ در حوزه‌های مختلف ژئوپلیتیکی از جمله در یای خزر، آسیای مرکزی و قفقاز و با معرفی منطقه خاورمیانه به عنوان «قیب جهانی امروز» به دنیا و از قبال ائتلاف بین‌المللی برای جنگ تمام‌عیار علیه طالبان در افغانستان و صدام در عراق به پهانه تروریسم و اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی، در آوردگاه نبرد مستقیم و کلاسیک، کشورهای منطقه را عرصه جنگ‌های نامتقارن کرد. هدف غرب از تشنج در منطقه، به کنترل در آوردن قدرت منطقه‌ای ایران و روسیه به عنوان یک قدرت نامتقارن بزرگ، در کنار جریان ارزان و بدون دغدغه انرژی منطقه (نفت و گاز) به سوی کشورهای غربی و آمریکاست. بنابراین با تمرکز بر مطالب فوق، می‌توان ادعان کرد که ۲ کشور ایران و روسیه متناسب با نوع برداشت از ظرفیت‌ها و توانایی‌های خود، به ایفای نقش در نظم‌سازی‌های منطقه‌ای و بین‌المللی می‌پردازند. تغییرهای ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک و تفاوت رویکردهای اعلامی و اعمالی، تغییرهای تاریخ‌سازی را در عرصه‌های تقابل و تعامل میان ۲ کشور ایجاد کرده است. سفر دکتر محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی به مسکو که البته با حواشی و تعبیر مختلفی همراه بود، نشان‌دهنده عزم جدی ریاست پارلمان بر استحکام روابط سازنده و نیز تقویت اتحاد ۲ کشور برای مواجهه با فضای نوین روبروایی با غرب و بویژه هیات حاکمه جدید ایالات‌متحده آمریکاست که نگارنده با توجه به مؤلفه‌های فوق و با استفاده از تحلیل محتوای نظر به‌ها و دیدگاه‌های مختلف صاحب‌نظران به تحلیل و بررسی ابعاد مختلف این سفر می‌پردازد.

■ **روابط روسیه و ایران در دوران پساکمونیسم؛ همگرایی یا واگرایی؟**

سقوط کمونیسم در اروپا در سال‌های ۱۹۸۹-۱۹۹۱، نه فقط دلیلی بر پایان رویارویی ژئوپلیتیک نظام‌های اجتماعی رقیب بود، بلکه بیانگر گذشتن از سنیز ایدئولوژیکی سوسیالیسم و سرمایه‌داری نیز بود. این سنیز ایدئولوژیکی در سال‌های پس از انقلاب بلشویکی، شکل رویارویی بین دولت‌ها را به خود گرفته بود اما دینامیک آشکاری داشت که از سرنوشت هر کشور خاصی جدا بود.

با فروپاشی بلوک شرق و گذار به عصر پساکمونیستی، سیاست‌های رادیکال کمونیسم جای خود را به رقابت‌های جمع‌گرا، ناهمگن و متنوع داده است. در واقع این تغییر ژئوپلیتیک در اردوگاه شرق، با تحولات ساختاری خود منجر به ظهور کشورهایی با خصوصیت‌های جدید در نظام بین‌الملل نود شد که با مساله انطباق ساختاری با واقعیت‌های سیستمی جدید و بازتعریف جایگاه و بازیبنی رویکردهای سیاست خارجی خود روبه‌رو بودند.

در سال‌های نخست ریاست‌جمهوری بوریس یتلستین، گفتمان غالب بر سیاست خارجی روسیه، آتلانتیک‌گرایی بود. سیاست‌های غرب‌گرایانه روسیه در این سال‌ها به طور کامل خود را از آغوش غرب قرار دهد. آتلانتیک‌گراها به رهبری کوزیروف، منافع ملی و هویت روسیه را در قالب هویت اروپایی و غربی تعریف می‌کردند و منافع روسیه را فقط در توسعه روابط با غرب می‌دیدند. در این دوره سطح روابط مسکو با تهران پشندت کاهش یافت.

پس از شکست گفتمان غرب‌گرا در روسیه، اوراسیاگرایی (۱۹۹۹-۱۹۹۶) جایگزین آن شد و روسیه با چرخشی کامل در سیاست خارجی خود، به رهبری پریماکوف، رویکرد «نگاه به شرق» را در پیش گرفت. در این دوره، همکاری و توسعه روابط با کشورهای آسیایی، بویژه کشورهای نواستقلال حوزه پسا شوروی اولویت یافت. به بیان آشکارتر، با فروپاشی شوروی مدل مطلوب حکومتی روس‌ها، لیبرال‌دموکراسی بود که در

این نشانه استقلال عمل دولت روسیه در مسائل بین‌المللی بوده است. در واقع روسیه در سال‌های پس از فروپاشی شوروی به دلیل نقش ایران در امنیت ملی روسیه، فرصت‌های اقتصادی و ژئوپلیتیک، جلوگیری از ظهور ترک‌گرایی، یافتن متحد در مساله جمهوری آذربایجان و طالبان و بازار مناسب ایران، به ایران به چشم یک فرصت مناسب برای همکاری می‌نگریسته است که برتری‌های متعددی داشته است.

در مقابل، جمهوری اسلامی ایران هم پس از انقلاب ۱۳۵۷، با گام گذاشتن در مسیر واقع‌گرایی و در پی آن، درک نسبی منطق حاکم بر معادلات بین‌المللی و توجه به واقعیت‌هایی چون تراکم تهدیدات پیرامونی، مرزهای کنترل‌ناپذیر و نبود حمایت‌های بین‌المللی با فرصت‌ها و تهدیدهایی در ارتباط با روسیه روبه‌رو شده است. به صورت کلی با توجه به این مسائل، روابط تهران-مسکو را می‌توان در ۳ سطح دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی طبقه‌بندی کرد که بخش قابل توجهی از همکاری‌های ایران-روسیه، در سطح دوجانبه و در چارچوب روابط اقتصادی تا حال قابل تحلیل است. در سطح روابط خرد، در گفتمان سیاست خارجی روسیه، مفاهیم تجارت و فرصت اقتصادی، گزاره‌های محوری در تبیین یا توجیه روابط این کشور با ایران بوده است. حتی از دیدگاه بسیاری از روس‌ها، مخالفت‌های آمریکا و غرب با همکاری‌های ایران و روسیه در زمینه انرژی هسته‌ای، از تمایل این اتحاد شوروی تثبیت شد و بازسازی اقتصادی را به مهم‌ترین اولویت سیاست خارجی روسیه تبدیل کرد. به این دلیل، بسیاری از تحلیل‌گران یکی از مهم‌ترین علت‌های توسعه همکاری‌های نظامی، فنی و اقتصادی میان ایران و روسیه را نیاز شدید صنایع روسیه بویژه صنایع نظامی و هسته‌ای این کشور به ارزش‌های معتبر می‌دانند.

در سطح روابط میانی (منطقه‌ای) به دلیل بروز و وجود بحران‌های مختلف در منطقه و نیز با توجه به موقعیت راهبردی ایران در مرزهای جنوبی روسیه و جمهوری‌های پیشین اتحاد شوروی، مواضع تهران برای مسکو، اهمیت دوچندان می‌یابد. روسیه برای کاهش حمایت‌های خارجی چریان‌های جدایی‌طلب در برخی جمهوری‌های مسلمان‌نشین خود و جلوگیری از تبدیل شدن مساله چین به یک مساله اسلامی، در تلاش است روابط خود را با کشورهای اسلامی گسترش بدهد، بنابراین موقعیت ایران از یک طرف و خویشتنداری ایران در برابر مساله چین و داخلی خواندن این مساله برای روسیه از سویی دیگر، اهمیت ایران را برای روسیه دوچندان کرده است.

مواضع یکسان ۲ کشور درباره بسیاری از مسائل مانند چین، تاجیکستان، حکومت طالبان در افغانستان، گسترش تروریسم در آسیای مرکزی و ورود نیروهای آمریکا به عراق و مهم‌تر از اینها تنظیم رژیم حقوقی دریای خزر، توانست با رشد منافع و روابط اقتصادی ۲ کشور همگام باشد.

■ **روابط ایران و روسیه در سطح کلان (بین‌المللی)**
غیر از ضرورت‌های ناشی از نزدیکی جغرافیایی و سابقه تاریخی، همکاری‌های اقتصادی و رقابت منطقه‌ای به دلیل موقعیت ویژه‌ای است که هر

یک در عرصه سیاست بین‌المللی دارند. به عقیده برخی تحلیلگران، روابط ایران و روسیه تابعی از ملاحظات راهبردی روسیه در سطح بین‌الملل است. این کارشناسان معتقد هستند مسائلی مانند اقدام‌های یکجانبه آمریکا و مساله گسترش ناتو به شرق، موجب نگرانی روسیه از منزوی شدن در سطح بین‌الملل شده است. به همین دلیل روس‌ها از راه اقدام‌هایی مانند توسعه روابط با ایران، تلاش می‌کنند همچنان جایگاه خود را به‌عنوان یک قدرت بزرگ حفظ کنند، حتی همکاری‌های هسته‌ای با ایران در راستای افزایش قدرت چانه‌زنی روسیه در سطح بین‌الملل و افزایش توان تأثیرگذاری این کشور و مقابله با تلاش‌های آمریکا با محدودسازی فضای مانور این کشور در سطح بین‌الملل است.

■ **استراتژی روسیه در غرب آسیا**

غرب آسیا شامل چندین عنصر می‌شود: اول، روسیه عمل‌گرایی را در منطقه پی گرفته و قصد خود را برای گفت‌وگو با همه نیروهای مشروع در منطقه ابراز کرده است. با توجه به پیچیدگی واقعات در غرب آسیا، این استراتژی باعث ایجاد توازن میان بازیگران مهمی شده است که در ابتدا تصور نمی‌شد دسترس‌پذیر باشد. روسیه شرکای سیاسی‌اش را به تمرکز بر موضوعاتی در این منطقه ترغیب می‌کند که منجر به همکاری و نه کشاندن آن به اختلافات منطقه‌ای می‌شود. بر این اساس، این کشور با توجه به روابط همزمان مثبتش با ایران، ترکیه، سوریه، عربستان، مصر و رژیم صهیونیستی کاندیدای مناسبی برای میانجی‌گری در این منطقه است.

دوم، روسیه در عین انعطاف‌پذیری در گفت‌وگویش بسا این منطقه، اصرار بر حفظ خطوط فرمزش دارد، لذا مخالف هرگونه دخالت نظامی بدون تصویب شورای امنیت سازمان ملل متحد (جایی که می‌توانند از حق وتوی خود استفاده کنند) یا قوانین سازمان ملل متحد است. بر این اساس، مخالف تغییر رژیم به گونه‌ای است که منجر به تخریب هر کشوری شود. این کشور همچنین نگران هر گونه تغییر در مرزهای خاورمیانه و هر گونه تکفیری‌هاست. اصرار مسکو بر دفاع از خطوط فرمز از سوی مخالفان منطقه‌ای سوریه مثل عربستان و قطر مورد احترام قرار گرفته است.

سوم، روسیه سعی دارد نقش جنگ سردی خود را به عنوان وزنه تقابل آمریکا در منطقه پس بگیرد. از این منظر، خاطره قوی حضور شوروی که هنوز در ذهن سیاست‌گذاران و مردم خاورمیانه موجود است، می‌تواند مفید باشد. روسیه با دقت با این کارت بازی می‌کند؛ برعکس شوروی، آنها می‌فهمند که نمی‌توانند از نظر اقتصادی و سیاسی با آمریکا مقابله کنند. از این منظر، سیاست روسیه بهره‌برداری از کاستی‌های سیاست‌های غرب در خاورمیانه است. چهارم، روسیه از لفاظی‌های ایدئولوژیک در گفت‌وگوهای رسمی‌اش با کشورهای منطقه، و نیز – برخلاف سیاستش در قبال فضای به‌جامانده

از شوروی – از تحمیل دیدگاه‌هایش از طریق زور یا اجبار اقتصادی اجتناب می‌کند. مسکو در گفت‌وگو با کشورها و گروه‌های سیاسی منطقه می‌کوشد بر اشتراکات و نه اختلافات و تناقضات تمرکز کند. در بزرگیده است؛ برای مثال، روسیه زست‌های مربوط به مسائل اجتماعی ندارد یا از سیاست‌های رژیم صهیونیستی در فلسطین و غزه انتقاد نمی‌کند. این کشور می‌کوشد گفت‌وگو با همه کشورها در منطقه را بدون بیان حمایت آشکار از یک کشور یا ائتلاف خاص تشویق کند به طوری که تاکنون روابط خویش با ایران، رژیم صهیونیستی، قطر و عربستان را حفظ کرده است.

در نهایت اینکه، روسیه در تلاش‌های اقتصادی‌اش بر حوزه‌هایی متمرکز شده است که در آنها مزایای بازار را دارد: انرژی هسته‌ای، نفت و گاز، پتروشیمی، فضا، تسلیحات و غلات و فراتر از اینها تولید واکسن اسپوتنیک V برای مقابله با بیماری «کووید-۱۹». در همین حال، تجارت روس‌ها در غرب آسیا بر مبنای شعار «قیمت چینی برای کیفیت اروپایی» قرار گرفته است. قیمت اندک و اعتبار، دلایل اصلی علاقه کشورهای غرب آسیا به فناوری هسته‌ای روسیه است.

با این حال نباید در توانمندی‌های روسیه در غرب آسیا اغراق کرد، زیرا با توجه به توان محدود مالی قادر به تنوع‌بخشی در اقتصاد نیست و شکاف تکنولوژیک با غرب برخوردار است. ضمن اینکه این کشور برای حفظ توازن میان قدرت‌های مختلف شکننده و در زمان فراتر رفتن از تعاملات از ابعاد سطحی با مشکل مواجه است، لذا می‌توان برخی موفقیت‌های این کشور در منطقه را ناشی از اشتباهات سیاسی آمریکا و اروپا تلقی کرد. در استفاده کرده‌اند و قابل اعتماد

نیستند، بنابراین تغییرات در روابط روسیه و آمریکا می‌تواند بر مواضع خاورمیانه‌ای روسیه اثری جدی بگذارد. ■ **روسیه شریک راهبردی یا متحد استراتژیک ایران؟**

روسیه در غرب آسیا به دنبال ایجاد توازن است. پوتین از روزی که به قدرت رسید، چارچوبی را برای سیاست خارجی خود تعیین کرد و آن اینکه در مناقشه یا رقابت میان ۲ کشور نه بی‌طرف باشد نه جانب یکی را بگیرد، بلکه همزمان با هر ۲ تعامل داشته باشد. سیاست تعامل همزمان روسیه یک هدف را دنبال می‌کند: تحصیل منافع بیشتر. لذا باید پذیرفت ایران در سیاست خاورمیانه‌ای روسیه دارای اهمیت است.

روسیه درصدد مشارکت با ایران برای مقابله خودنمایی‌های آمریکا در غرب آسیاست. روسیه کاملاً به توان ایران برای ایجاد امنیت در آسیای میانه و قفقاز آگاه است. ارزیابی‌های اقتصادی نیز بر حفظ بازار تسلیحاتی ایران برای صنعت دفاعی روسیه تعیین‌کننده است. فروش سلاح به ایران بخشی از استراتژی این کشور در عقب راندن نفوذ آمریکا و اروپا در ایران است، زیرا روسیه باور دارد که اگر به ایران سلاح نفروشد، ایران به سوی رقبای او می‌رود. بنابراین، فروش تسلیحات به ایران همیشه ابزار روسیه بر ممانعت از به چالش کشیدن قدرتش از سوی ایران بوده و از منظر مسکو این استراتژی نسبتاً موفق بوده است.

دوشنبه ۱۱ اسفند ۱۳۹۹
وطن‌امروز | شماره ۳۱۵۹

سیاست

۱

در مجموع، روسیه ایران را دشمن بالقوه نمی‌داند. ایران یک شریک مهم ژئوپلیتیک و یک قدرت منطقه‌ای رو به ظهور است که به حضور سیاسی و نظامی آمریکا در منطقه خزر، دریای سیاه و قفقاز، شمالی و آسیای مرکزی را مهار کرده است. روسیه همچنین ایران را قدرت مسلط منطقه‌ای قفقاز، آسیای مرکزی و خلیج‌فارس قدرت‌افکنی کند. در مجموع، دلایل روسیه برای برقراری یک رابطه جذاب با ایران عبارتند از: متحدی قوی در مخالفت با آمریکا، شریکی اقتصادی در برابر تحریم‌های غرب و شریکی برای مقابله با افراط‌گرایی تکفیری و تجزیه‌طلبی.

در همین زمان، تعامل روسیه با عربستان، امارات و رژیم صهیونیستی (رقبای منطقه‌ای ایران و دشمنانش) به چند دلیل مهم است. مسکو باید با عربستان برای تضمین قیمت انرژی بالاتر کار کند، زسرا قیمت انرژی برای اقتصاد و پیشبرد برنامه‌های این کشور حیاتی است. تعامل روسیه با کشورهای عرب خلیج‌فارس از این نظر نیز مهم است که مسکو باید مانع برخورد آنها شود. هر گونه منازعه‌ای می‌تواند فرصتی را برای آمریکا ایجاد کند که روسیه را در این منطقه به حاشیه براند. عامل دیگر برای حفظ روابط پایدار روسیه با کشورهای عرب خلیج‌فارس حمایت، سرمایه‌گذاری و تجارت است. مسکو می‌تواند تحت تحریم‌های غرب از این کشورها سرمایه‌جذب کند. قیمت انرژی بالاتر علاوه بر اینکه به اقتصاد این کشور کمک می‌کند، می‌تواند اهرم فشاری به این کشور در برابر اروپا بدهد.

■ **پایان سخن**

درباره رابطه ۵۰۰ ساله تهران - مسکو این مفاهیم به سرعت ردیف می‌شود؛ مفاهیمی در روابط بین‌الملل که هر کدام تعاریف و ویژگی‌های یک رابطه را تعیین می‌کنند. ۲ کشور همسایه فراز و فرود در ارتباطشان را کم تجربه نکرده‌اند اما دستم در همین ۱۰ سال گذشته می‌توان دگرگونی رابطه ۲ کشور را بخوبی دید. افزایش تعداد ملاقات سران ۲ کشور و وزرای خارجه و معاونانش را می‌توان یکی از پارامترهای تعیین‌کننده تلقی کرد و فراتر از آن مشارکت ۳ ساله ایران و روسیه به همراه اهرم فشاری به این کشور در برابر اروپا بدهد.

درباره رابطه ۵۰۰ ساله تهران - مسکو این مفاهیم به سرعت ردیف می‌شود؛ مفاهیمی در روابط بین‌الملل که هر کدام تعاریف و ویژگی‌های یک رابطه را تعیین می‌کنند. ۲ کشور همسایه فراز و فرود در ارتباطشان را کم تجربه نکرده‌اند اما دستم در همین ۱۰ سال گذشته می‌توان دگرگونی رابطه ۲ کشور را بخوبی دید. افزایش تعداد ملاقات سران ۲ کشور و وزرای خارجه و معاونانش را می‌توان یکی از پارامترهای تعیین‌کننده تلقی کرد و فراتر از آن مشارکت ۳ ساله ایران و روسیه به همراه اهرم فشاری به این کشور در برابر اروپا بدهد.

درباره رابطه ۵۰۰ ساله تهران - مسکو این مفاهیم به سرعت ردیف می‌شود؛ مفاهیمی در روابط بین‌الملل که هر کدام تعاریف و ویژگی‌های یک رابطه را تعیین می‌کنند. ۲ کشور همسایه فراز و فرود در ارتباطشان را کم تجربه نکرده‌اند اما دستم در همین ۱۰ سال گذشته می‌توان دگرگونی رابطه ۲ کشور را بخوبی دید. افزایش تعداد ملاقات سران ۲ کشور و وزرای خارجه و معاونانش را می‌توان یکی از پارامترهای تعیین‌کننده تلقی کرد و فراتر از آن مشارکت ۳ ساله ایران و روسیه به همراه اهرم فشاری به این کشور در برابر اروپا بدهد.

درباره رابطه ۵۰۰ ساله تهران - مسکو این مفاهیم به سرعت ردیف می‌شود؛ مفاهیمی در روابط بین‌الملل که هر کدام تعاریف و ویژگی‌های یک رابطه را تعیین می‌کنند. ۲ کشور همسایه فراز و فرود در ارتباطشان را کم تجربه نکرده‌اند اما دستم در همین ۱۰ سال گذشته می‌توان دگرگونی رابطه ۲ کشور را بخوبی دید. افزایش تعداد ملاقات سران ۲ کشور و وزرای خارجه و معاونانش را می‌توان یکی از پارامترهای تعیین‌کننده تلقی کرد و فراتر از آن مشارکت ۳ ساله ایران و روسیه به همراه اهرم فشاری به این کشور در برابر اروپا بدهد.

درباره رابطه ۵۰۰ ساله تهران - مسکو این مفاهیم به سرعت ردیف می‌شود؛ مفاهیمی در روابط بین‌الملل که هر کدام تعاریف و ویژگی‌های یک رابطه را تعیین می‌کنند. ۲ کشور همسایه فراز و فرود در ارتباطشان را کم تجربه نکرده‌اند اما دستم در همین ۱۰ سال گذشته می‌توان دگرگونی رابطه ۲ کشور را بخوبی دید. افزایش تعداد ملاقات سران ۲ کشور و وزرای خارجه و معاونانش را می‌توان یکی از پارامترهای تعیین‌کننده تلقی کرد و فراتر از آن مشارکت ۳ ساله ایران و روسیه به همراه اهرم فشاری به این کشور در برابر اروپا بدهد.

درباره رابطه ۵۰۰ ساله تهران - مسکو این مفاهیم به سرعت ردیف می‌شود؛ مفاهیمی در روابط بین‌الملل که هر کدام تعاریف و ویژگی‌های یک رابطه را تعیین می‌کنند. ۲ کشور همسایه فراز و فرود در ارتباطشان را کم تجربه نکرده‌اند اما دستم در همین ۱۰ سال گذشته می‌توان دگرگونی رابطه ۲ کشور را بخوبی دید. افزایش تعداد ملاقات سران ۲ کشور و وزرای خارجه و معاونانش را می‌توان یکی از پارامترهای تعیین‌کننده تلقی کرد و فراتر از آن مشارکت ۳ ساله ایران و روسیه به همراه اهرم فشاری به این کشور در برابر اروپا بدهد.

درباره رابطه ۵۰۰ ساله تهران - مسکو این مفاهیم به سرعت ردیف می‌شود؛ مفاهیمی در روابط بین‌الملل که هر کدام تعاریف و ویژگی‌های یک رابطه را تعیین می‌کنند. ۲ کشور همسایه فراز و فرود در ارتباطشان را کم تجربه نکرده‌اند اما دستم در همین ۱۰ سال گذشته می‌توان دگرگونی رابطه ۲ کشور را بخوبی دید. افزایش تعداد ملاقات سران ۲ کشور و وزرای خارجه و معاونانش را می‌توان یکی از پارامترهای تعیین‌کننده تلقی کرد و فراتر از آن مشارکت ۳ ساله ایران و روسیه به همراه اهرم فشاری به این کشور در برابر اروپا بدهد.